

## در رابطه با پیام منتسب به اعلیحضرت به مناسبت جلسه

### در تورنتو

امیرفیض حقوقدان

این اولین بار نیست که درانتساب پیامی به اعلیحضرت شک و تردید بوجود میآید درگذشته نیز موارد چندی بوده که بهنگام نقد پیام مطرح شده است.

ولی تفاوت این پیام با پیام های سابق اعلیحضرت که دراصالت آن شک بوده این است که این پیام، بعد از آن انتشار یافته که درسایت رسمی ایشان آمده است که «پیامها و بیانیه هایی که درسایت ایشان منعکس نیست واجد اعتبار نمیشود» بنابراین اینکه پیام مورد بحث درسایت ایشان دیده نشد و مورد استفاده و استناد درجلسه تورنتو قرارگرفت تردید دراصالت و انتساب آنرا به اعلیحضرت بطور جدی بوجود آورد از آنجا که اعلیحضرت دوبار تاکید فرموده بودند حتی یکبار باتراحتی که «مسائلی که در رابطه بامن است از من پرسید که باحقیقت همراه شوید منکه پشت کوه قاف نیستم که دسترسی بمن ممکن نباشد» تکلیف خود دانستم که درفکسی موضوع اصالت پیام را به دلیل اینکه درسایت اعلیحضرت دیده نمیشود از دبیرخانه پرسش کردم ولی متاسفانه مانند همیشه اعتنایی ندیدم.

پیام فاقد نام رضاپهلوی است که درتمام پیام های ایشان معمول است و همچنین عبارت «خدا نگهدارایران باد» دیده نمیشود و از نظر حقوقی متنی است که انتساب آن به اعلیحضرت بدون دلیل است ولی از آنجاکه استفاده کننده از پیام اسماعیل نوری علا است و منطقاً ضعیف است که این فرض تصور شود که او جعل پیام کرده باشد زیرا هم به اثرات جعل آگاه است و هم به حساسیت موضوع از نظر سلطنت طلبان خاصه که مصاحبه او با میبیدی درمورد ملاقات با اعلیحضرت نشان داد که او (نوری علا) دست به تهیه شاهدش خوبست یعنی در مورد استفاده از پیام، بی شاهد و دلیل دست به استفاده از پیام نزده است.

اصولاً همانطور که میدانیم و میدانید دبیرخانه اعلیحضرت فاقد یک مسؤل فرهنگی است و نویسندگان پیام ها ثابت و شناخته شده نیستند و درواقع میتوان گفت که پیام های بیشتر برای رفع تکلیف است تا واجد مفاهیم سیاسی و دستورات مبارزاتی، تصور میتوان چنین آورد که وقتی نوری علا از حضور اعلیحضرت درجلسات تورنتو مایوس میشود درخواست میکند که پیامی بفرستند و اعلیحضرت هم به سبک معمول به او میفرمایند «خودتان یک چیزی بنویسید» و او هم آنچه که مورد نظرش بوده نوشته و بنام رضاپهلوی دراجلاس مطرح میکند.

**حاشیه** - شادروان سرلشکر شیرشکار، گهگاهی که به تورنتو میآمد دیداری هم با آقای جلوه داشت و درکارمبارزه هم مشارکتی نداشت وقتی فوت کرد خانم سرایدار ساختمان های آقای جلوه بمن تلفن کرد و گفت آقای جلوه گفته اند درکیهان لندن یک آگهی تسلیم بگذارم و از شما بپرسم که مایل هستید که نام شما هم گذاشته شود بنده هم به احترام آقای جلوه گفتم اشکالی ندارد خانم گفت چه بنویسم گفتم یک آگهی تسلیم خودتان بنویسید. وقتی کیهان لندن منتشر شد درکمال تعجب دیدم که سرلشکر شیرشکار «ابرمرد تاریخ ایران» معرفی شده است. جای اعتراضی هم نبود از نوع تعارفات معمول، وکالت و تفویض اختیار است کاری هم نمیشود برای رفع اثران نمود نه انتساب آنرا میتوان منکرشده نه مفاد آنرا (پایان حاشیه).

تهیه پیام منتسب به اعلیحضرت از طرف نوری علا دقیقاً وضع همان حاشیه ای که آوردم راممکن است داشته باشد. پیام تهیه شده از طرف نوری علا که احتمالاً با اجازه ضمنی منتشر شده با خواسته ها و نظرات اعلیحضرت هماهنگ نبوده است اعلیحضرت هم بعنوان واکنش از انتشار آن درسایت خودشان خودداری میفرمایند و بنظر میرسد که این تنها کاری است که بعقیده خودشان ممکن است صورت واکنش داشته باشد و اصالت آنرا به دلیل اینکه درسایت اعلیحضرت منتشر نشده علامت عدم موافقت بامدلول پیام معرفی کنند و شاید هم استفاده کننده از پیام که نوری علاست و به مفاسد این

کاری یعنی عدم انتشار پیام در سایه اختصاصی اعلیحضرت آگاه است تا این تحریر انتشار یابد پیام هم در سایه اعلیحضرت جاسازی شده باشد.

### ناشی گری ها در تنظیم پیام

- ۱- پیام که قبل از تشکیل نشست تورنتو تنظیم شده است گفتگوهای نشست راتانید حمایت کرده است. چگونه ممکن است انسانی که هنوز سخنان دیگران رانشنیده پیشاپیش تانید و حمایت و ادامه آنرا مشوق باشد؟
- ۲- حدود بیست و چند سال است که اعلیحضرت اصرار دارند که بمنظور ایجاد وحدت و همبستگی مصلحت در صحبت از سلطنت و جمهوری نیست ولی در نشست تورنتو اعلام شد که محور ائتلاف باید جمهوریخواهی و دموکراسی و حقوق مداری باشد نه صرف تشکیل حکومت سکولار. یعنی از حال تعیین تکلیف شده که جانی برای مشارکت سیاسی و همکاری سلطنت طلبان نیست و این درست نقطه مقابل اصرارها و ایستادگی های بیست و چند ساله گذشته است و مفهوم پیام اعلیحضرت در تانید نشست تورنتو و تقدیر از برگزارکنندگان آن نشست تانید نظریه ائتلاف بر پایه جمهوریخواهی است و نظریه عدم حمایت و ایجاد امتیاز مبارزاتی برای جمهوریخواهان و سلطنت طلبان و تعیین تکلیف بوسیله مردم رامنتهی و عدول شده میسازد.
- ۳- نوری علا در نشست تورنتو دوبار از واژه **باید** استفاده کرده است. باید، حکم است چه کسی به ایشان حکم و اختیار و حق داده که حکم رابصورت **باید** به دیگران منتقل کند؟ و بقول کسی «اگر باید که دیگر چاره ای نیست» باید، گفتن این قبیل آدمها که دم از دموکراسی هم میزنند همان گران هستند که بلباس میش درآمده اند تادروقت مساعد با **باید** هایشان ذات خودشان را نشان بدهند.

صیاد که برنگذرد از گنجشگی دانی چه کند چو کبک و تیهو بیند

- ۴- نویسنده پیام اعلیحضرت به ضرورت تشکیل این قبیل نشستها اشاره و از طرف اعلیحضرت از تکرار آنها استقبال کرده و در واقع برای دکان خودش تبلیغ کرده و اضافه کرده که «خواست اکثریت قاطع مردم ایران حکومت سکولار است» از کجا معلوم شده که خواست اکثریت قاطع مردم ایران حکومت سکولار است؟

سوال اینجاست: در حالیکه بنظر نویسنده پیام، اکثریت مردم ایران خواستار حکومت سکولار هستند دیگر تشکیل نشستها و تبلیغ درباره سکولار چرا؟ با چنین ادعایی و اعلامی که از خواست اکثریت مردم ایران شده است دیگر حزب و تشکیلات درست کردن چه سودی دارد؟ مگر بالاتراز خواست اکثریت قاطع مردم چیز دیگری هم برای سکولار ساختن حکومت وجود دارد؟ اینگونه بحثها و تشکیلات راه انداختن و یارگیری برای قانع ساختن مردم به حکومت سکولار است و در حالیکه نویسند پیام مدعی است که این قناعت مردم در حد اکثر و با قاطعیت تمام نسبت به حکومت سکولار وجود دارد دیگر چرا باید به این قبیل بحثهای بدون نتیجه و بی پایان ادامه داد؟

در گذشته بارها اعلیحضرت فرموده اند «بحثها کافی است هر چه لازم به گفتن بوده گفته شده و اکنون نوبت عمل است»

کدام راباید باور کرد روی آوردن به بحثهایی که بیش از قرنهاست مطرح و جاری است و اکنون هم کالای دکان تازه نوری علاست و یابفر است و توصیه اعلیحضرت جای حرف و بحث و نمایش سخن رابه برنامه ریزی و عمل داد؟ بنظر میرسد که نویسنده پیام یابه اظهارات سابق اعلیحضرت توجهی نداشته و یاترجیح داده در شلوغی بازار کالای مختص خودش را پشت و پتیرین مغازه اش بگذارد.

### دولت سایه

هدف از ایجاد دکان سکولاریسم آنهم از نوع خاصی که بنا بر اعلام نوری علا مخترع آن است بحث درباره سکولاریسم نیست این دکان مقدمه ای است برای ایجاد دولت موقت زیر نام **دولت در سایه**

نوری علا نوشته است «در انگلستان احزاب سیاسی در هر موقعیتی که هستند یک دولت در سایه تشکیل میدهند تا اگر روزی روزگاری در انتخابات برنده شدند و تشکیل دولت به آن حزب محول شد دولت سایه فوراً مصدر حکومت بشود»

در تطبیق مورد، اگر جمهوری اسلامی ساقط شد و حکومت دمکراسی جایگزین گردید و در انتخابات پارلمانی سکولاریسم پیروز شد و اگر در بین احزاب سکولاریسم هم فقط دکان سکولاریسم نو اختراع نوری علا سرپا بود و تشکیل دولت محول او شد دولت سایه ای که امروز در خارج از کشور تشکیل میدهد دولت کشور گردد.

محال است کسی در بین تمام ایرانیان داخل و خارج چنین طرحی را دنبال کند مگر آنکه زیر این طرح بظاهر فکاهی و خوش باوری یک هدف دیگری را پنهان ساخته باشد و اگر هدفی نداشته باشد جایزه نادانی و شاید احتمال دل بستن مختص اوست.

گویند در دیار شام مردی بود که یک سبد گاه بر سر داشتی و گردبازار همی گشتی و شکر خدا کردی گفتند او را که حکمت این کار چیست و منفعت آن کدام؟ گفت «شاید هار انباید نشاید گرفت» - شاید مرغی که در هواست تخمی گذارد و آن تخم راست بر سبد من فرود آید و من آنرا بگیرم و ناشت بسازم و خدای کریم را که این عنایت را مرحمت کرده شکر بسیار گویم. مردم شام بلا استثناء آن مرد را بله دانستی و گرد او نگردیدی.

دولت در سایه دکان نوری علا همان حکم و کاری را دارد که آن مرد ابله اهل شام میکرده است و این همان است که ضرب المثل فارسی ما میگوید «حرف پیشکی مایه شیشکی»

### اختراع نوری علا

نوری علا در گفتگوی بانیک آهنگ کوثر خود را مخترع سکولار نو معرفی میکند عین عبارت او چنین است «من خود ترکیب حکومت سکولار نور را اختراع کردم تا تفکیک کند میان سکولاریسم بدون حقوق بشرو سکولاریسم با حقوق بشر» وقتی کلمه **اختراع** را از نوری علا خواندم یاد آمد که کریم سنجابی هم گفت «من کلمه آیت الله را برای کیانوری اختراع کردم» لابد نوری علا هم اختراع خودش را به ثبت هم رسانده است. نباید این چیزها را عجیب گرفت.

چونکه نهان مهر در رخشان شود شب پره جولانگه میدان شود

چنانکه از توضیح **مخترع** ! برمیاید بین حکومت سکولار با حکومت سکولار نو که ایشان نرا اختراع کرده قائل به تفاوت است بدین معنی که سکولار نو که اختراع ایشان است ملتزم به اعلامیه جهانی حقوق بشر است. (!!)

ایشان در همان مصاحبه در مقابل این پرسش که مردم با سکولار آشنا نیستند، اولاً یادش می رود که در پیامی که بنام اعلیحضرت منتشر کرده مدعی شده که اکثریت قاطع مردم ایران خواستار حکومت سکولار هستند، و بعد پاسخ میدهد:

«ما وقتی بگویم حکومت سکولاریسم یعنی حکومت غیر مذهبی و غیرایدئولوژیکی که ملتزم به اعلامیه جهانی حقوق بشر هم هست»

بنده که نفهمیدم اختراع ! ایشان چیست وقتی سکولاریسم به تفسیر ایشان حکومت غیر مذهبی است که ملتزم به اعلامیه جهانی حقوق بشر است دیگر سکولار نو با آن تفسیر که ایشان آورده چه جایگاهی دارد که بتوان به آن نام اختراع را داد و انگهی واژه «نو» مقابل کهنه است و در مورد و یا شنی قابل استفاده است که آن چیز سابقه اجرایی داشته باشد در حالیکه حکومت سکولاریسم در جامعه حقوقی ایران بی سابقه است چگونه ترکیب نو آن بوسیله ایشان اختراع ! شده است